



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره مریض بود و عرض کردیم که کتاباً و سنتاً و اجماعاً و عقلاً روزه بر مریض واجب نیست البته نه مطلق مرض بلکه در روایات ما گفته شده مرضی که **أضرَّ به الصوم**، و بعد عرض کردیم که مریض از عموماًت و جوب صوم تخصیص خورده یعنی دیگر روزه بر او واجب نیست (اخراج حکمی) لذا اگر روزه بگیرد روزه اش صحیح نیست زیرا صحت یعنی **مطابقة المأتی به للمأموریه** پس طبق این مبنی هرکجا که امر نباشد صحت نیست. خوب مورد دیگری که دیروز مورد بحث قرار گرفت مربوط به جایی بود که؛ **إذا زاحمه واجب آخر أهم**؛ یعنی اگر بخواهد روزه بگیرد واجب دیگری که أهم است مزاحم روزه او می شود مثل حفظ نفس در نجات غریق و آتش سوزی که در این مثالها حفظ نفس أهم است از وجوب روزه و مکلف هم قدرت امتثال هر دو را ندارد یعنی در واقع همین عجز و عدم قدرت مکلف باعث شده که این تراحم بوجود بیاید، خوب همانطور که دیروز عرض کردیم این بحث به بحث ترتب در اصول کشیده می شود و در بحث ترتب هم گفتیم که اگر کسی مثل مرحوم آخوند صاحب کفایه مشی کند دیگر مهم وجوب ندارد چون که طلب الضدین محال است اما طبق قول ترتبی ها وجوب مهم مقید به عدم انجام أهم می باشد یعنی **إن ترکت الأهم** مهم وجوب دارد پس طبق این مبنی برای صوم وجوب درست می شود و عرض کردیم که محشین و شراح عروۃ من جمله آقای خوئی و حضرت امام (ره) نیز در حاشیه عروۃ از راه ترتب وجوب صوم را در مثالهای مذکور (غیر از مرض) درست کرده اند و نظر و مبنای ما هم همین بوده، این بحث دیروز بود که مقدمه خدمتتان عرض شد تا اینکه وارد بحث امروزمان بشویم.

خوب صاحب عروۃ در ادامه بحث می فرماید: **«ولو صام بزعم عدم الضرر فبان الخلاف بعد الفراغ من الصوم ففي الصحة إشکال**

فلا یترک الاحتیاط بالقضاء وإذا حکم الطیب بأن الصوم مضرٌ و علم المكلف من نفسه عدم الضرر یصح صومه و إذا حکم بعدم ضرره و علم المكلف أو ظنّ كونه مضرّاً وجب علیه تركه ولا یصح منه». اگر شخصی به گمان اینکه روزه برایش ضرری ندارد روزه بگیرد ولی بعداً بفهمد که روزه برایش ضرر داشته ففی الصحّة إشکال، زیرا قبلاً عرض کردیم که آیه شریفه **کتب علیکم الصیام** اقتضا می کند که روزه بر همه واجب باشد ولی مریضی که **أضرَّ به الصوم** تخصیصاً از تحت این آیه خارج شده است و در فرض مذکور شخص ابتدا فکر می کرده که صوم برایش ضرری ندارد و عموم آیه شاملش می شود لذا روزه گرفته ولی بعداً فهمیده که از تحت عام خارج شده و مریضی که **أضرَّ به الصوم** بوده لذا اصلاً صوم بر او واجب نبوده پس روزه اش صحیح نیست زیرا خیالی می کرده که روزه برایش ضرری ندارد و معلوم است که امر خیالی مجزی از واقع نیست، مثل کسی که یقین کرده که ظهر شده و نمازش را خوانده ولی بعداً معلوم شده که ظهر نشده بوده که این امر خیالی است و کافی و مجزی از واقع نیست بنابراین هر وقت که انسان امر خیالی را امتثال کند و بعداً برایش کشف خلاف شود مسلماً آن امر خیالی مکفی از واقع نخواهد بود. حضرت امام (ره) در حاشیه عروۃ در اینجا فرموده اند: **«عدم الصحّة لا یخلو من قرب»** زیرا صحّت یعنی مطابقت مأتی به لما أمر به و فرض بر این است که موقع انجام فعل اصلاً امر نداشته و گفتیم که امر خیالی هم مجزی از واقع نمی باشد.

صاحب عروۃ در ادامه می فرمایند که اگر طیب حکم کرده که روزه برایش ضرر دارد ولی خود مکلف می داند که روزه برایش ضرری ندارد در این صورت اگر روزه بگیرد روزه اش صحیح است زیرا درست است که قول طیب حاذق در تشخیص این قبیل موضوعات حجّت است منتهی ما یک حجّت دیگر هم داریم و آن حجّت طبق دو روایتی که خواندیم (خبر ۳ و ۵ از باب ۲۵ از ابواب من یصح منه الصوم) این است که؛ **هو أعلم بنفسه** و فرض کلام هم در مورد کسی است که مطابق تجربه و علمی که دارد می داند روزه برایش ضرری ندارد که این علم خودش حجّت قوی تر و مقدم بر قول طیب می باشد. خوب حالا اگر طیب حکم کند به

أقوی این است که صوم و سائر عبادات صبی ممیز صحیح و مشروع می باشند زیرا طبق روایات ما عبادات در نزد خداوند متعال دارای مصلحت و محبوبیت می باشند لذا هر کس که آنها را انجام بدهد مشروع می باشند پس اینطور نیست که تمام افعال صبی ممیز غیر مشروع باشد البته اگر این افعال را انجام ندهد مؤاخذه نمی شود. خوب یک بحثی در قوانین مطرح است و آن اینکه؛ **الأمر فی الأمر أمر أم لا؟** یعنی شارع مقدس به والدین امر کرده که فرزندشان را امر به انجام عبادات بکنند و این امر به والدین مثل امر شارع به خود صبی می باشد لذا عبادات او نیز شرعی هستند و آیت الله خوئی نیز در مستند العروة از همین راه شرعی عبادات صبی را درست کرده اند، بقیه بحث بماند برای شنبه انشاء الله ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله  
علی محمد و آله الطاهرین

عدم ضرر صوم برای او ولی خود مکلف علم أو ظنّ کونه مضراً در این صورت نیز وجب علیه ترک الصوم و لا یصحّ منه و دلیلش هم همان دلیل فرض قبلی است ( و هو أعلم بنفسه ) .

(مسئله ۱) : یصحّ الصوم من النائم ولو فی تمام النهار إذا سبقت منه النیة فی اللیل و أما إذا لم تسبق منه النیة فإن استمرّ نومه إلی الزوال بطل صومه و وجب علیه القضاء إذا کان واجباً و إن استیقظ قبله نوب و صحّ كما أنه لو کان مندوباً واستیقظ قبل الغروب یصحّ إذا نوب .

صوم یعنی امساک از جمیع مفطرات از طلوع فجر تا مغرب همراه با نیت صوم و لازم نیست که این امساک عن إلتفاتٍ و عن توجّهٍ صورت بگیرد لذا اگر شخص نائم قبل از طلوع فجر نیت نکرده بوده ولی قبل از ظهر از خواب بیدار شده و متوجه شده که ماه رمضان است در این صورت اگر نیت کند روزه اش صحیح است ولی اگر پیش از ظهر متوجه نشد و نیت کرد روزه اش صحیح نیست و دلیل این حکم هم روایاتی است که قبلاً خواندیم و عرض کردیم که شارع مقدس نسبت به صوم یک تسهیلی قائل شده و گفته که اگر قبل از طلوع فجر نیت نکرده تا اذان ظهر وقت دارد که نیت کند و روزه اش هم صحیح می باشد ( در روزه واجب ) . خوب یک اشکالی در اینجا مطرح است و آن این است که این حکمی ایشان فرموده اند (کفایت نیت قبل از زوال) مخصوص صوم قضاء می باشد و ما درباره ثبوت این حکم برای صوم رمضان دلیلی نداریم لذا بعضی از محشین عروه مثل آقای خوئی به این کلام صاحب عروه اشکال کرده اند . حضرت امام(ره) در حاشیه عروه فرموده اند : « لا یخلو من تأمل ولا یخلو من قوّة و الإحتیاط بالنیة و الإتمام و القضاء حسن » اینکه حضرت امام فرموده اند لا یخلو من قوّة به خاطر این است که ایشان می خواهند بگویند که روایات ما اعم هستند و شامل تمامی روزه های واجب می شوند به خلاف آقای خوئی ، و ما نیز کافی می دانیم و قبلاً درباره نیت در روزه مستحبی بحث کردیم .

(مسئله ۲) : یصحّ الصوم و سائر العبادات من الصبی الممیز علی الأقوی من شرعیة عباداته و یتحبّ تمرینه علیها بل التشدید علیه لسبع من غیر فرق بین الذکر و الأئنی فی ذلک کله .